

## مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

عالیه جعفری

پیش‌گفتار

«قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین».

مسجد سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام است، و در طول تاریخ، بزرگانی همچون پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اصحاب با وفایش، سربازان مدافع آن بوده‌اند و همواره تجلی‌گاه عشق و عبادت و خضوع به درگاه پروردگار عالم بوده است، دل مؤمنان صادق، بهترین سنگر در برابر شرک و بی‌دینی است که شبانه روز چند نوبت به سوی خدا می‌ایستد و با حضور در مسجد آن را جلوه و نورانیت می‌بخشد. تأکید فراوانی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار بر اقامه نماز جماعت داشته‌اند، بر دائمی و همیشگی بودن این دفاع، دلالت دارد. برای این سنگر مهم، می‌توان نقش‌های بسیاری در سراسر تاریخ نام برد که مهم‌ترین نقش آن نقش عبادی و ارتباطی آن است؛ زیرا در میان اقوام و ملل گوناگون مکان‌هایی پیدا می‌شود که از تقدس و اهمیتی ویژه برخوردار است؛ و مردم با حضور در آنجا به نیایش و عبادت می‌پردازند. در نزد ما مسلمانان، مقدس‌ترین و با اهمیت‌ترین مکان مسجد است که در فرهنگ دین ما مسجد یادآور خشوع و خضوع و عبادت و بندگی به درگاه خداوند است، زیرا در مسجد، انسان‌ها به سجده می‌افتند که اوج بندگی خداوند است. چنانچه فرمودند:

«السجود منتهی العیادة من بنی آدم».

یعنی سجده انتها و اوج عبادت انسان است و همچنین روح سجده، تکلم و سخن گفتن و ذکر پروردگار عالم است که بر اهمیت آن تأکید فراوانی شده است و فرمودند:

### «وَمَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا».

و جلی و زیبایی سجده و ذکر، خواندن صادقانه و از روی اخلاص است.

#### خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با یاران اندک به مدینه مهاجرت نمودند، در آغاز چون مسلمانان، کم بودند پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی، بر ستون مسجد (که ستونی از نخل خرما بود) تکیه می‌داد، و به ارشاد مردم می‌پرداخت، ولی وقتی جمعیت مسلمین فزونی یافت، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای نخستین بار از پله‌های آن منبر بالا رفت. در این هنگام، فریاد ناله از تنه درخت خرما (که ستون مسجد و تکیه‌گاه قبلی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بود بلند شد، همانند ناله شتری که از بچه خود جدا شده و آه و ناله می‌کند که همه حاضران آن ناله را شنیدند، این ناله فراق بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دیگر هنگام سخن گفتن به آن تکیه نمی‌داد. عجیب این‌که: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگامی که بالای منبر رفت، سه بار گفت: «آمین» روشن است که کلمه «آمین» در پایان دعا یا نفرین، گفته می‌شود؛ در آن‌جا این سؤال در ذهن حاضران آمد که چرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله «آمین» گفت، ولی طولی نکشید که پاسخ این سؤال روشن گردید و آن این بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وقتی بالای منبر رفت، از جبرئیل سه نفرین شنید که دیگران این صدا را نمی‌شنیدند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شنید که جبرئیل می‌گوید: «خدایا لعنت کن بر عاق والدین». فرمود: آمین، سپس شنید، جبرئیل عرض کرد: خدایا لعنت بفرست بر کسی که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او از رحمت و آمرزش الهی محروم گردد». پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود «آمین».

از آن پس شنید جبرئیل گفت: خدایا لعنت کن کسی را که نام رسول تو (= رسول خدا) را بشنود و صلوات نفرستد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گفت «آمین».

با توجه به این‌که «آمین» پیامبر مورد قبول و استجاب خداست، این حدیث هشدار خطیری است به ما که در باره بی‌احترامی به پدر و مادر، و محرومیت از آن همه برکات سرشار ماه رمضان، و درود نفرستادن به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگام شنیدن نام آن حضرت، بیندیشم و به این سه موضوع، توجه کامل داشته باشیم و حق آن را به شایستگی ادا کنیم.

#### مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

نهضت‌های فکری و اجتماعی در شیوه آغاز به کار و ادامه آن یکسان نیستند. برخی از نهضت‌ها

چون تندی بهاری آغاز می‌شوند؛ دقایقی می‌بارند: امواجی توفنده برپا می‌کنند و پس از زمانی کوتاه می‌ایستند. ساعتی بعد، گویی هرگز بارانی نباریده و آبی جاری نشده است. اما نهضت جاودانه‌ای که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را بنا نهاد، چنین نبود. با نزول باران آیه‌های قرآن، در فرمان خواندن و اهمیت دادن به آموزش و قلم و مبارزه با نادانی آغاز شد، که:

**«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».**

اسلام همچون رودی آرام ولی سنگین و پر آب در بستر جامعه آن روز که برترین ویژگیش «ندانستن» بود جاری شد. رفته رفته سنگلاخ‌های جهل و خرافه را درهم کوبیده و دشت خشک نادانی را به بوستان‌هایی پرگل از آگاهی و بینش و دانش تبدیل کرد.

پیدایش اسلام نه فقط موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در جامعه درانداخت، که شور و نشاط علمی را نیز برانگیخت. علم و دانش و آموختن و یاد دادن ارزشی دیگر یافت و شمار آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند به گونه‌ای چشم‌گیر رو به فزونی گذاشت. به هر حال، مسلمانان می‌باید کتاب آسمانی خویش را بخوانند و بدانند. حتی آنان که بنای مخالفت و انکار این پیام آسمانی گذاردند، چاره‌ای نداشتند جز اینکه با محتوای آن آشنا شوند؛ از این رو علم و آموزش رونقی چشم‌گیر یافت.

اسلام، خود با آموزش آغاز می‌شد. آموختن و فرا گرفتن اینکه فقط خدای یگانه را باید پرستید. آموزگار مکتب، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و موضوع آموزش نیز در آغاز، فراگفتن معنای «ایمان» و دانستن آیه‌های کتاب آسمانی، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به فرمان خداوند نمی‌توانست آنچه بر او نازل می‌شود در سینه خود محبوس نماید؛ بل وظیفه داشته است که آیه‌های کتاب آسمانی را برای مردم تفسیر و تبیین نماید:

**«و انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل عليهم».**

او آیات کتاب الهی را بر مردم تلاوت می‌کرد. آنان را تزکیه می‌نمود و کتاب و حکمت را به آنان آموزش می‌داد:

**«هو الذي بعث في الامم رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزكيهم**

**و يعلمهم الكتاب و الحكمة...».**

این رسالت سنگین، زمان و مکان نمی‌شناخت. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از هر فرصتی برای روشن‌فکری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیره آن حضرت نشان می‌دهد که «مسجد» در مجموعه دوران بیست و سه ساله رسالت، مهم‌ترین سنگر

تبلیغ دینی پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب شده است. گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی ایفا نمود، همواره یکسان نبوده است.

### **بخشی تاریخی، در باره مسجد**

پیش از آن که اسلام با بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تولد یابد، دو مسجد مهم و با عظمت بر روی زمین احداث شده بود، یکی مسجد الاقصی بود و دیگری مسجد الحرام. مسجد الاقصی در بیت المقدس با دست حضرت سلیمان علیه السلام بنا شده بود و دیگر پیامبران بزرگ الهی، آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند. مسجد الحرام نیز یادگار دو پیامبر بزرگ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بود. بر پایه برخی از روایات، حد و مرز این مسجد به همت این دو پیامبر بزرگ تعیین و ترسیم شده است.

درباره تاریخ بنای کعبه برخی بر آنند که کعبه به دست حضرت آدم علیه السلام بنا و بازسازی شده است.

### **نخستین مسجد در اسلام**

با آن که درباره مسجد «قبا» اطلاعات کافی در کتابها و آثار درج شده است، ولی در منابع تاریخی کهن، این سخن که مسجد قبا، نخستین مسجد در اسلام است، فقط گفته پاره‌ای از مورخان چون ابالجوزی است.

مورخان بزرگی چون طبری و پیش از او سیره‌نویسانی چون ابن‌هشام و واقفی نیز چنین ادعایی نداشته‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به عقیقه بن خالد می‌فرماید:

**«ابداً بقبا فصل فیه و اکثر فاته اول مسجد صلی فیه رسول الله**

صلی الله علیه و آله و سلم

فی هذه العرضه...».

«براستی سرکشی از مساجد اطراف مدینه، از مسجد قبا شروع کن؛

زیرا مسجد، نخستین مسجد در این منطقه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گزارده است...».

ابن‌هشام در تشریح رخدادهای آغازین ورود پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه از مجله قبا

حرکت کرد و نماز جمعه را در میان قبیله بنی‌سالم بن عوف و در مسجدی که در دل دره رانوان بود، به جا آورد و این نخستین نماز جمعه‌ای بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدینه برپا نمود.

### **نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله**

در سال‌های آغاز بعثت به علت جو اختناق و شرایط سختی که بر مکه حاکم بود، اساساً امکان تبلیغ دینی به‌طور عمده، خانه آن حضرت بود. با اسلام آوردن ارقم بن ابی ارقم، خانه او به جایگاه آموزش مسلمانان تبدیل شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این خانه که در جنب کوه صفا قرار داشت، میانی اندیشه‌های اسلامی را به مسلمانان آموزش می‌داد. بسیاری از مردم در همین خانه و در سایه آموزش‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسلمان شدند. در سال چهارم بعثت، یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسلمان بودن خویش را آشکار می‌کردند. با این حال نمی‌توانستند از مسجد در قالب سنگری در تحقق تبلیغ و آموزش بهره‌برداری کنند. مسجد الحرام، کاملاً در چنگال مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان آزادانه در راستای اهداف فرهنگی از آن استفاده کرد، نیز وجود نداشت.

### **نقش فرهنگی مسجد الحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله**

کعبه و مسجد الحرام از دیرباز جایگاه گردهمایی مردم بود. مشرکان قریش، بازرگانان و مسافرانی که از اطراف مکه به این شهر می‌آمدند، پیش از اسلام نیز بر پایه اعتقادات خاص خود برای پرستش بت‌ها و یا طواف خانه خدا، گرد کعبه و در مسجد الحرام حضور می‌یافتند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از این فرصت‌ها برای تبلیغ آیین توحید و یکتاپرستی سود می‌جستند. آن حضرت بارها در کنار حجر اسماعیل به تلاوت آیه‌های روح‌بخش قرآن برای مردم می‌پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام فرا می‌خواند. دامنه فعالیت‌های تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ایام ویژه‌ای که موسم طواف و حج فرا می‌رسید، گسترش می‌یافت. اسلام آوردن شمار درخور توجهی از یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مکه ثمره چنین کارهای تبلیغی بود. یکی از مسلمانانی که این‌گونه هدایت شد، «طفیل بن عمرو» بود. او تحت تأثیر تبلیغات دروغین مشرکان حاضر شده بود گوش‌های خود را انباشته از پنبه کند تا می‌آوازی را بشنود؛ ولی سرانجام در مسجد الحرام مسلمان شد. طفیل پس از اسلام آوردن، مبلغ شایسته‌ای برای آیین یکتاپرستی در میان خویشان و افراد قبیله خود شده بود.

بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دورانی، یاران خویش را در مسجد الحرام گرد می‌آورد. برای آنان قرآن می‌خواند و واجبات و محرمات الهی را به آنان

آموزش می‌داد. چنین جلساتی در مسجد، گاه به مناظره و گفت‌وگوهای طولانی و علمی با سران قریش می‌انجامید و پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با استناد به آیات نورانی قرآن به شبهه‌های گوناگونی که آنان مطرح می‌کردند، پاسخ می‌گفتند.

ابن‌هشام می‌گوید:

«هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه بود، حدود بیست مرد مسیحی از حبشه به این شهر آمدند. اینان اخباری را در بعثت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیده بودند و پرسش‌های خود را مطرح کردند. افرادی از قریش نیز در اطراف کعبه این جلسه را نظاره‌گر بودند.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله اعضای این هیئت را به توحید و یکتاپرستی دعوت کرد و آیاتی از کتاب آسمانی را برای آنان تلاوت نمود. چشمان آنان با شنیدن آیه‌های قرآن پر از اشک شد.

آنان به خداوند یکتا و پیامبر او ایمان آوردند و دریافتند که آنچه در کتاب‌های‌شان درباره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده، در آن حضرت آشکار و هویداست.»

### **نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله**

پس از هجرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه و بنا نمودن مسجدالنبی فصلی نوین در آموزش و فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. تلاش‌های فرهنگی در مدینه، پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن شهر و قبل از بنای مسجد نیز سابقه داشته است. با این حال، نقش مسجد

در

فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی، پس از ورود پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه و بنای مسجد، هرگز با قبل از آن شایان مقایسه نیست. با بنای مسجدالنبی در واقع نه فقط معبد و پرستشگاهی ساخته شده، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شده است.

حضور منظم و پیوسته مسلمانان در این مسجد به منظور برپاداشتن نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله فراهم می‌آورد. آن حضرت با توجه به اوضاع و احوال و رعایت حال حاضران در مسجد از این فرصت‌ها به شایستگی بهره‌برداری می‌کرد و پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می‌گفت.

در آغاز که شمار مسلمانان اندک بود، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با تکیه بر یکی از ستون‌های

مسجد که از چوب درخت خرما ساخته شده بود، برای مردم سخن می‌گفت. بعدها به پیشنهاد برخی از مسلمانان، منبری که دارای سه پایه و از چوب بود، برای آن حضرت ساخته شد، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر بلندای همین منبر کوتاه که به بلندای همه تاریخ بود، جان‌تشنگان معارف الهی را سیراب می‌ساخت. بسیاری از سخنان و گفته‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله که اکنون در دسترس ماست، از همان خطبه‌هایی است که بر فراز این منبر ایراد شده است. در حقیقت، منبر محل نشستن پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در سخنرانی‌های رسمی بوده است.

**سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد**  
سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای افراد حاضر در مسجد نه فقط خسته کننده و ملال‌آور نبوده؛ که بسیار پر جاذبه بوده است. جلسات موعظه و سخنرانی رسمی همه روزه برگزار نمی‌شد، زیرا یاران پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از این عمل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین برداشت می‌کردند که پیوسته

و مداوم بودن جلسات سخنرانی موجب خستگی و ملال نماز گزاران می‌شود. «عبدالله بن مسعود» که از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به شمار می‌آید، می‌گوید:

«**كان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: يتخولنا بالموعظة في الأيام كراهة السامة علينا.**

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن رو که مبادا ما شنوندگان خسته و ملول شویم،

برخی از روزها موعظه می‌کردند.»

گرچه عبدالله این سخن را از زبان خود می‌گوید، ولی بی‌گمان او با استناد به سخنی از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین برداشتی را از سیوه کار آن حضرت نموده است. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله دیگران را نیز به آسان گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می‌کرد. از ایشان نقل شده که در این زمینه فرموده‌اند:

«**يسروا ولا تعسروا و بشرو و لا تنفروا.**

«آسان بگیرید، سخت‌گیر مباشید، بشارت دهید و مردم را گریزان

مسازید.»

گاهی زمان سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از پیش با اعلام خود حضرت اعلام می‌شد تا همگان در مسجد حضور یابند. در چنین مواردی یاران پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله یکدیگر را به حضور در مسجد در اول وقت و ضبط سخنان پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله سفارش می‌کردند، تا مبادا کلمه‌ای از سخنان پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از دست آنان بیرون رود.

در مجالس سخنرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله زنان نیز حضور داشتند. اگر احساس می‌شد زنان به هر علت سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را نشنیده‌اند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آنان را مجدداً موعظ و نصیحت می‌کرد.

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حالی که بلال نیز با او همراه بود، دانست که زنان سخنان او را نشنیده‌اند، دوباره آنان را موعظه کرد و ایشان را به صدقه دادن فرمان داد. گاه زنان درخواست می‌کردند که برای آنان مجلس سخنرانی جداگانه‌ای تشکیل شود؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با پیشنهاد آنان موافقت می‌نمود و مجلسی مخصوص به زنان برپا می‌شد.

#### **محتوای سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد**

خداوند متعال یکی از جنبه‌های مهم رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را تبیین و تفسیر آیه‌های قرآن قرار داده است. بی‌تردید این مهم، در مرتبه اول در مسجد صورت می‌گرفته است. آموزش فقه و احکام دینی به مردم نیز بخش دیگری از سخنرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌داد.

با این حال، سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فقط جنبه آموزشی نداشت، بل از عامل موعظه و تقویت روحیه «تقوا» و پرهیز از گناه در روح و جان شنوندگان نیز برخوردار بود. از همین رو اصحاب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از برخی جلسات سخنرانی آن حضرت به عنوان «مجلس موعظه» یاد می‌کردند. این امر به روشنی نشان می‌دهد که «آموزش» و یاد دادن در مسجد باید با وعظ و اندرز دادن که در حقیقت «پرورش» است، همراه باشد. در کتاب «معالم القریة» از بخاری نقل کرده که ابومسعود گفته است:

«مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز فلان کس خودداری می‌کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. ابومسعود گفته است: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم.»

آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما مردم را گریزان می‌سازند. اگر کسی امامت گروهی را برعهده دارد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند چه، در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می‌شوند.»

**جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله**  
اصولاً عامل «موعظه» و اندرز، در تبلیغ از جایگاهی ویژه برخوردار است. قرآن کریم یکی از راه‌های فرا خواندن مردم به سوی خداوند را «موعظه» دانسته است. قرآن مجید در آیاتی چند، خود را موعظه‌ای برای مردم معرفی نموده است.  
راغب، موعظه را این گونه معنا کرده است:

**«الوعظ زجر مقترن بالتخويف».**

«موعظه بازداشتن همگان با بیم دادن است».

خلیل بن احمد، یکی از دانشمندان بنام لغت شناس نیز گفته است:

**«الوعظ هو التذکر بالخیر فیها یرق له القلب».**

«وعظ، به یاد آوردن نیکی‌هاست، به گونه‌ای که دل‌ها نرم گردد».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر این که خود عملاً از چنین شیوه‌ای برای هدایت مردم استفاده می‌کردند؛ مسلمانان را بر برگزاری مجالس وعظ و اندرز ترغیب می‌نمودند.

در روایاتی که هم در منابع شیعه و هم در منابع سنی یافت می‌شود، از مجالسی به عنوان «مجالس ذکر» نامی به میان آمده و در خصوص برگزاری آن تشویق و تأکید شده است. یکی از آنها حدیث ذیل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به مسلمانان فرموده‌اند:

**«بادرو الی ریاض الجنة، قبل یا رسول الله و ریاض الجنة؟ قال:**

**مجالس الذکر».**

«به سوی باغ‌های بهشت بشتابید؛ گفته شد ای رسول خدا! مقصودتان

از باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر و یاد خدا».

متأسفانه امروزه مجالس وعظ و اندرز در میان مسلمانان از جایگاه اصیل خود برخوردار نیست. برگزاری مجالس سخنرانی در مسجد به یک رسم و تشریفات تبدیل شده؛ فقط در مرگ افراد، مجالس با عنوان مجلس ترحیم تشکیل می‌شود؛ آن هم نه برای عبرت و موعظه؛ که از سر رسم و تشریفات؛ چندان که اگر کسی نمیرد، هرگز مجلسی برپا نمی‌شود، گویی همگان خود را از وعظ و اندرز دیگران بی‌نیاز می‌دانند، حال آن که سخت بدان محتاجند.

**مراعات حال حاضران در مسجد**

درباره مدت زمان سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می‌توان گفت: مدت این سخنرانی‌ها معمولاً کوتاه بوده است. آنچه از

خطبه‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در دست است نشان می‌دهد که مدت زمان سخنرانی‌های آن از چند دقیقه، تجاوز نمی‌کرده است. مراعات اعتدال، حتی در خطبه‌های نماز جمعه نیز که از سوی آن حضرت ایراد شده مورد توجه قرار می‌گرفته است در سنن ترمذی آمده است که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نماز جمعه و خطبه‌های آن، جانب اعتدال را مراعات می‌فرموده است. در کنار این همه، گاه در سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله مطالب مزاح‌آمیزی نیز بیان می‌شده است. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر منبر مسجد برای مردم از مردی سخن گفت که شتری را که مال خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده برای آن حضرت هدیه آورده است! پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله سه وقبه نقره به او پاداش داده‌اند، ولی او باز هم راضی نشده است!

#### **جاذبه‌های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله**

تردیدی نیست که کار تبلیغی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد، سرشار از مایه‌های معنوی و روحانی بوده است. این آمیزه‌های الهی کسانی را که اندک زمینه‌ای برای هدایت داشتند، شیفته و شیدای اسلام می‌نمود. در حقیقت دامنه فعالیت‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد، فقط به برگزاری سخنرانی و تشکیل کلاس‌های آموزشی محدود نمی‌شد؛ بل جلوه‌های رفتاری پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیش از هر چیز، مسجد را به کانون هدایت حق جویان تبدیل ساخته بود. یعنی پرتو نور جذبه‌های معنوی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن چنان پر فیروغ بود که گاه کسانی که به قصد کشتن آن حضرت به مسجد می‌آمدند، نیز خیره می‌ماندند و بذر مهر و محبت به اسلام در دل آنها کاشته می‌شد.

«عمیر بن وهب»، در پی تحریکات صفوان بن امیه برای کشتن پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با شمشیر زهرآلود از مکه بازگشت. چنین ماجراهایی به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در برخورد‌هایی کوتاه و جان تازه مسلمان را با اسلام پیوند می‌زد؛ به گونه‌ای که نخستین آرزوی آنان پس از مسلمان شدن، شهادت در راه خدا بود.

#### **اهتمام پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در باره امور مساجد**

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خصوص بنای مسجد و تعیین امام جماعت برای قبایل گوناگون اهتمامی ویژه داشتند. آن حضرت خود در مواردی در امر ساختن مسجد برای برخی از قبایل شرکت می‌جستند. شخصی به نام «جابر بن اسامه» می‌گوید: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را همراه با گروهی از یارانش در بازار مشاهده کردم. از آنان پرسیدم: پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به کجا می‌روند گفتند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای افتتاح مسجدی به میان قبیله تو می‌روند. وقتی به محل خود بازگشتم،

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما مکانی را مختص مسجد، مشخص کرده و چوبی را برای تعیین سمت قبله آن نصب نموده است.

### ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا

شهید ثانی در کتاب گرانقدر «منیة المرید» حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خدا به مسجد وارد شدند. در مسجد دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر دو گروه به سوی يك هدف گام برمی‌دارند، دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه کار برتری انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده‌ام. از این رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.»

این‌گونه احادیث، به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، با گفتار و کردار خویش، مسلمانان را به اهمیت علم و دانش آگاه می‌کرد و تشکیل جلسات آموزشی در مسجد را مورد تشویق قرار می‌داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق عملی درخصوص برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد در حدیثی فرموده‌اند:

«پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاددادن یا فراگرفتن چیز مطلوبی

به مسجد می‌آید، همچون پاداش کسی است که يك عمره کامل را انجام داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یادگرفتن و یاددادن کار خیری به مسجد می‌آید. همچون پاداش کسی است که يك حج کامل، به‌جای آورده باشد.»

از این حدیث استفاده می‌شود که لازم نیست گفت‌وگوی علمی در مسجد انجام گیرد و حتماً دانش‌های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می‌توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار داد.

### پی‌گفتار

سخن پایانی نویسنده با عالمان و اندیشمندان اسلامی و همه آنانی که به مسجد عشق می‌ورزند

و به عظمت و شکوه بیش از پیش آن می‌اندیشند این است که:  
اگر سالیان دراز در گفتار و نوشتار خود تأکید کنیم که مسجد در زمان پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله  
چنین و چنان بود ولی عوامل گوناگونی را که باعث شده «مساجد» به صورت کنونی درآید،  
بازنشناسیم و در رفع آنها نکوشیم گامی شایسته در راه خدمت به مسجد و شکوه آن برنداشته‌ایم.

## پی نوشت‌ها

- ۱ - اعراف: ۲۹ .
- ۲ - بحار الانوار: ج ۸۲ ، ص ۱۶۴ .
- ۳ - حج: ۴۰ .
- ۴ - اقتباس با توضیحی از نگارنده از کتاب *منتهی الامال*: ج ۱ ، پاورقی صفحه ۳۳۳ .
- ۵ - علق: ۱ ، ۴ و ۵ .
- ۶ - *تاریخ آموزش در اسلام*، احمد شبلی، ترجمه محمد حسین ساکت، ص ۴۱ .
- ۷ - نحل: ۴۴ .
- ۸ - جمعه: ۲ .
- ۹ - مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد .
- ۱۰ - *وسائل الشیعه*، شیخ حر عاملی: ج ۳ ، ص ۵۴۱ ، باب ۵۵ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱ - ۴ .
- ۱۱ - همان مأخذ، ص ۶۹۰ و نیز *الحج فی الكتاب و السنة*، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱ ، ص ۵۵ .
- ۱۲ - به نقل از: *الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله*، جعفر مرتضی عاملی، ج ۲ ، ص ۵۶ و *السيدة الحلیه* .
- ۱۳ - *وسائل الشیعه*، شیخ حر عاملی: ج ۱۰ ، ص ۲۷۶ ، باب ۱۲، از ابواب المزاره روایت ۲ .
- ۱۴ - *السيرة النبوية*، ابن هشام: ج ۲ ، ص ۱۳۹ .
- ۱۵ - *السيدة النبوية*، ابن هشام: ج ۱، ص ۲۷۰ .
- ۱۶ - *الطبقات الكبرى*، محمد بن سعد واقدی: ج ۳ ، ص ۲۴۲ .
- ۱۷ - *الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله*، جعفر مرتضی عاملی: ج ۱ ، ص ۲۵۹ .
- ۱۸ - *الفوفاء باحوال المصطفى*، ابن جوزی: چاپ مصر، ۱۳۸۶ هـ ق، دارالکتب الحدیثه، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۴ و ص ۱۵ ، ۲۱ .
- ۱۹ - *السيدة النبوية*، ابن هشام: ج ۲ ، ص ۲۲ .
- ۲۰ - *الاحتجاج*، احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی: ج ۱ ، ص ۲۹ .
- ۲۱ - همان مأخذ، ص ۲۸ - ۲۹ .
- ۲۲ - *السيدة*، ابن هشام: ج ۲ ، ص ۲۲ .

- ٢٣ - نظام الحكومة النبوية، عبدالحى الكتاني: ج ١ ، ص ٤٧ .
- ٢٤ - همان منبع، ج ٢ ، ص ٢٢٢ .
- ٢٥ - همان منبع، ج ٢ ، ص ٢٢٢ .
- ٢٦ - همان مأخذ، ج ٢ ، ص ٢٢٦ .
- ٢٧ - صحيح بخارى: ج ١ ، كتاب الصلاة، باب ٧٥ ، ش ٩٦ .
- ٢٨ - همان منبع، باب ٧٨ ، ش ٩٩ .
- ٢٩ - نحل: ٤٤ .
- ٣٠ - احياء العلوم الدين، غزالى: ج ٢ ، ص ٣٩٨ و ٣٩٩ .
- ٣١ - معالم القرية فى احكام الحسبة، ابن اخوة، باب ٤٧ ، ص ٢٦٦ .
- ٣٢ - نحل: ١٢٥ .
- ٣٣ - المعززات فى غريب القرآن، راغب اصفهانى، كتاب الواو، ص ٥٢٧ .
- ٣٤ - نقل از همان مأخذ.
- ٣٥ - وسائل الشريعة: ج ٤ ، ص ١٢٣٩ ، باب ٥٠ از ابواب الذكر، روايت ١ و ٣ .
- ٣٦ - نظام الحكومة النبويه، عبدالحى الكتاني: ج ٢ ، ص ٢٢٦ .
- ٣٧ - مغازى، محمد بن عمر واقدى، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، ص ٤١٥ .
- ٣٨ - همان منبع، ص ٩٢ - ٩٥ .
- ٣٩ - تاريخ المدينة المنوره، ابن شيبه، ج ١ ، ص ٦٢ .
- ٤٠ - منية المديد فى آداب المفيد والمسفيد، زين الدين بن على عاملى (شهيد ثانى)، تحقيق و نصيح: رضا مختارى، ص ١٠٦ .